





هرجا تو می‌روی،  
من همراهت می‌آیم.

ما نه زیاد هستیم و نه کم  
فقط من و تو، دوتایی باهم.

ما همیشه هم‌آهنگ و هم‌صدا هستیم،  
مثل نت‌های موسیقی هم‌نوا هستیم.

باهم یک آهنگ شاد می‌نوازیم،  
هر دو یک آواز می‌خوانیم.



آهای، شما چی کار می‌کنید؟  
من هم دلم می‌خواهد ساز بزنم.

اوه اوه، تو را چه به این حرف‌ها!  
لطفاً، برو یک‌جایی آن طرف‌ها.

آخه من که بامزه هستم،  
هنرمند و نوازنده هستم.

اوه، کی باورش می‌شود مرغ زیر آواز بزند.  
اوه، نگو که باورم نمی‌شود مرغ ساز بزند!



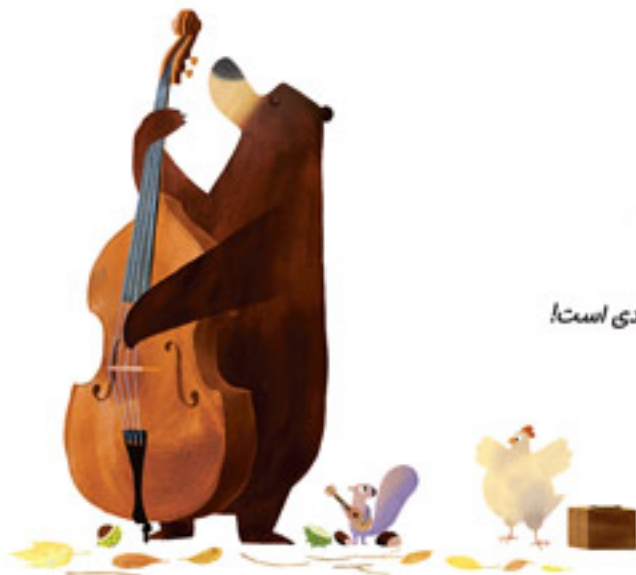


آفرین

قبول کنید

من هم با شما باشم.

این کارتان خیلی نامردی است!



ببین، اصلاً به تو ربطی ندارد...

حرف فقط حرف خرسی است!



هر چیزی دارد چاره،  
فرصت بدهید به این مرغی بیچاره!



شاید من بگویم، قبول... آره...  
اما سنجابی نه می‌گوید دوباره!



آهای!

همه چی روبه راهه؟



هی، آفرین به خود گل گلابم!



بفرما، ببین عاشق ساز و آوازم!

سلام، یک فنجان چای می نوشی؟



ببین، منم همین بالا بالاها!



یا شاید هم این پایین پایین‌ها.



جانم، بنازم به ساز و آوازم...



تو هم دلت می‌خواهد بشوی هوادارم؟

